رویش روان شناسی، سال۱۰ ، شماره۹، شماره پیاپی ۶۶، آذر ۱۴۰۰
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),10(9), 2021

پریشانی رابطه زناشویی : نقش پیش‌بین فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی در افراد متأهل

Distress of Marital Relationship: The Predictive Role of Positive Meta-Emotion and Machiavellianism in Married People

متینه عبادی
دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
سجاد بشرپور (نویسنده مسئول)
استاد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
محمد نریمانی
استاد ممتاز روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان-شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

چکیده
این پژوهش با هدف بررسی نقش فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی در پیش‌بینی پریشانی رابطه زناشویی در افراد متأهل شهر رشت انجام‌گرفت. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیهٔ متأهلین شهر رشت در تابستان ۱۳۹۸ تشکیل‌دادند که تعداد ۲۰۰ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و در این پژوهش شرکت کردند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از سنجه خودگزارش‌دهی وضعیت زناشویی تاکسون ویزمن و همکاران (MTSRM) (۲۰۰۹)، مقیاس فراهیجان میتمنسگرابر و همکاران (MES) (۲۰۰۹) و فرم کوتاه مقیاس سه صفت تاریک شخصیت جانسون و وبستر (SDTPM) (۲۰۱۰) استفاده شد. داده‌های جمع‌آوری شده نیز با استفاده از تحلیل همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به وسیله نرم افزارspss۲۳ تجزیه و تحلیل شد. نتایج به‌دست آمده نشان‌داد که فراهیجان مثبت با پریشانی رابطه زناشویی، رابطه منفی و ماکیاول‌گرایی با پریشانی رابطه زناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد (P<۰/۰۱). همچنین مجموع فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی ۶۰/۸ درصد واریانس پریشانی رابطه زناشویی را تبیین می‌کنند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عدم آگاهی زوجین نسبت به ویژگی‌های شخصیتی و هیجانی خود می‌توانند عامل خطری برای پریشانی زناشویی باشد، بنابراین با برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای زوجین می‌توان از شدت پریشانی زناشویی کاست.

واژه‌های کلیدی: *پریشانی رابطه زناشویی، فراهیجان مثبت، ماکیاول-گرایی، افراد متأهل.*

Matineh Ebadi
PhD Student of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.
Sajjad Basharpoor*
Professor of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.
basharpoor_sajjad@uma.ac.ir
Mohammad Narymani
Distinguished Professor of Psychology, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Abstract
The aim of this study was to investigate the role of positive meta-emotion and Machiavellianism in predicting distress of marital relationships in married people in Rasht. The method of this study was descriptive-correlational. The whole couples of Rasht city in the summer of 2019 were constituted the statistical population of this study. Two hundred people from this statistical population were selected randomly by multi-stage cluster sampling and participated in this study. The instruments of Marital Taxon Self-Report Measure of Whisman and et al (MTSRM) (2009), Meta-Emotion Scale of Mitmansgruber and et al (MES) and short version of dark triad personality traits (SDTPM)of Jonason & Webster were used for gathering data. The collected data were analyzed using Pearson correlation analysis and multiple regression analysis by spss23 software. The results showed that positive meta-emotion has a negative relationship with the distress of marital relationships and Machiavellianism has a positive and significant relationship with the distress of marital relationships. Also, total positive meta-emotion and Machiavellianism explain 60.8% of the variance in distress of marital relationships. The results of this study show that the lack of awareness of couples about their personality and emotional characteristics can be a risk factor for marital distress, so holding workshops for couples can reduce the severity of marital distress.

Keywords: distress of marital relationship, positive meta-emotion, Machiavellianism, married people.

نوع مقاله : پژوهشی | **دریافت : اردیبهشت ۱۴۰۰** | **پذیرش: خرداد ۱۴۰۰** | **ویرایش نهایی : آذر ۱۴۰۰**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

مقدمه

خانواده محل ارضاء نیازهای جسمانی، عقلانی و عاطفی است و داشتن آگاهی از آن‌ها و مجهز شدن به فنون شناخت تمایلات زیستی و روانی، ضرورتی انکارناپذیر است؛ رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به‌معنی رضایت از زندگی بوده (روحلمن، گالس و دورتچی،[1] ۲۰۱۸)؛ در نتیجه توانایی و همبستگی ایجاد شده از طریق رضایت زناشویی، رفتارهایی مانند انعطاف‌پذیری و ارتباطات در زندگی زناشویی تسهیل و نارضایتی بین آن‌ها کاهش می‌یابد (السون، والدول و اسچلیف،[2] ۲۰۱۹)؛ از سوی دیگر یکی از دستاوردهای تحولات نهاد خانواده و از عوامل تهدید کننده بنیان و کانون خانواده تعارضاتی است که در روابط بین زوجین بروز پیدا می کند (پارک و پارک،[3] ۲۰۱۹)، بدیهی است اگر نیازها برآورده نشود، در چنین وضعیتی زوجین نسبت به یکدیگر احساس خشم، ناامیدی و نارضایتی خواهند داشت؛ بنابراین با توجه به ماهیت روابط زوجین، پریشانی در رابطه زناشویی به وجود می‌آید (امبی وایرر،[4] ۲۰۱۷). پریشانی زناشویی به عنوان یکی از عواملی که منجر به نابودی تدریجی روابط زناشویی می‌شود، نوعی از هم‌گسیختگی و بی‌تفاوتی زوجین نسبت به یکدیگر، حقوق و تکالیف خویش تعریف می‌شود (کارگر،کیمیایی و مشهدی، ۱۳۹۳). خلق‌وخو، بلوغ فکری، روانی، مهارت‌های فردی، شیوه زندگی و ویژگی ظاهری پیش-فرض‌های شکل‌گیری پریشانی زناشویی محسوب می‌شوند (مقدم‌زاده، علوی، مظاهری، حجازی، صالحی و همکاران، ۱۳۹۷). وجود اختلافات و مشکلات زناشویی منجر به خصومت زناشویی (ژو و بوچلر،[5] ۲۰۱۹)؛ افسردگی و کمبود عزت نفس فرزندان (یون و چن،[6] ۲۰۲۰)؛ کاهش شادکامی در فرزندان (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۰) و کمبود امنیت هیجانی (اسچادلیچ، جسیکا، اروین و ریشر،[7] ۲۰۱۹) خواهد شد. همچنین ازدواج‌های پریشان خطر ابتلا به انواع مشکلات سلامتی مانند بیماری‌های قلبی عروقی، سندرم متابولیک و مرگ زودرس را افزایش می‌دهد (تروکسل و همکاران، ۲۰۰۵).

توانایی ایجاد و حفظ یک رابطه رضایت‌بخش نیاز به شناسایی هیجان‌ها و نیز ابراز هیجان‌ها نسبت به همسر دارد (کلین، رنشو و کوربی،[8] ۲۰۱۶). در همین راستا فراهیجان به‌عنوان نیروی محرک تنظیم هیجان‌ها تلقی می‌گردد (منسل، بارنس، گرانت و دسوزا،[9] ۲۰۲۰)؛ همچنین شامل مجموعه‌ای از هیجان‌ها و احساس‌های فرد است که برای توصیف خود از آن‌ها استفاده می‌کند (بایلن، هو و تامپسون،[10] ۲۰۱۹). فراهیجان‌ها شامل دو بخش مثبت و منفی هستند و افراد دارای فراهیجان مثبت برخلاف افراد دارای فراهیجان منفی از توانمندی بالایی در پذیرش و ابراز مناسب و سازگار هیجان‌ها برخوردار می‌باشند (دیپتی و کومار،[11] ۲۰۱۸). پاسخ‌های هیجانی افراد در برابر هیجان-های خاص می‌تواند متفاوت باشد. برخی از اینکه خشمگین شدند، احساس شرم و پشیمانی، اما برخی دیگر احساس شادمانی و رضایت می‌کنند (بایلن و همکاران، ۲۰۱۹). این‌طور به‌نظر می‌رسد که زوجین، به جای ابراز هیجانات قوی خود، هیجاناتی را ابراز می‌کنند که برای آنها کمتر تهدید کننده خواهد بود. بنابراین، زوجین پریشان در مجموعه‌ای از الگوهای خشک و چرخه‌های تعاملی که توسط خود آنها تقویت می‌گردد و بارها و بارها تکرار می‌شود، گیر می‌کنند و عدم توانایی آنها برای تحمل هیجاناتی که در دام آن اسیر شده‌اند، منجر به باقی ماندن آنها در پریشانی و ناسازگاری بیشتر مسائل غیر قابل حل خواهد شد (کنارکوهی، صادقی و شیخی، ۱۳۹۸). در مجموع فراهیجان ما را قادر می‌سازد که با انعطاف‌پذیری بیشتری به وقایع محیطی پاسخ دهیم (آمستادتر،[12] ۲۰۰۸). به عبارت دیگر تجربه زندگی همراه با آشفتگی‌های هیجانی متنوع و گوناگون است، اینکه چگونه فرد به این آشفتگی‌ها واکنش نشان دهد نشانگر میزان توانایی فرد در پذیرش هیجان‌های مثبت و منفی زندگی است (پارسامنش،کراسکیان، حکمی و احدی، ۱۳۹۶). پژوهش دیپتی و کومار (۲۰۱۸) حاکی از آن است

1. Ruhlmann, Gallus & Durtschi
2. Waldvogel & Schlieff
3. Park & Park
4. Mbwirire
5. Zhou & Buehler
6. Yeon & Choi
7. Schudlich, Jessica, Erwin & Rishor
8. Klein, Renshaw & Curby
9. Mansell, Barnes, Grant, De Sousa
1 . Bailen, Wu & Thompson 0
1 . Dipti & Kumar 1
1 . Amstadter 2

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

که فراشناخت و فراهیجان رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. پژوهش مانوز و همکاران (۲۰۱۶) بیانگر رابطه مثبت هیجان‌های مثبت با رضایت از زندگی است. طبق پژوهش وحدانی و همکاران (۱۳۹۹) ابراز هیجان منفی به‌طور مثبت دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کند.

مطالعات نشان می‌دهند که صفات شخصیت، نقش کلیدی در ثبات زندگی زناشویی دارند (هی و همکاران، ۲۰۱۸). به تازگی پژوهش-های روان‌شناختی توجه خود را به سازه شخصیت تاریک[1] در مطالعات روان‌شناختی جلب کرده‌اند (کایزر, لبرتون و هوگان،[2] ۲۰۱۵) که شامل سه بعد ماکیاول‌گرایی،[3] خودشیفتگی[4] و سایکوپاتی[5] است که به‌عنوان مجموعه صفاتی تعریف شده‌اند که منعکس‌کننده خصوصیات شخصیتی بد و تاریک به‌شمار می‌روند. این صفات به‌عنوان تمایل به رفتارهای فریب‌کارانه (ماکیاول‌گرایی)، احساس محق‌بودن (خودشیفتگی) و تکانشی‌بودن (سایکوپاتی) تعریف شده‌اند (ومیک، فلتز و کینگ،[6] ۲۰۱۹). ماکیاول‌گرایی به‌طور خاص با دست‌کاری، بدبینی و اخلاق پایین مشخص می‌شود (کاجنیوس، پرسن ، روزنبرگ و گارسیا،[7] ۲۰۱۶). افراد با ماکیاول‌گرایی بالا در فریب دیگران بسیار موفق هستند و در مقابل تلاش‌های افراد دیگر برای دست‌کاری خود بسیار مقاومت نشان می‌دهند. توانایی بالای آن‌ها برای دستکاری و تغییر احساسات دیگران موجب می‌شود که به صورت افرادی هوشمند و جذاب ارزیابی شوند (لا و مارسی،[8] ۲۰۱۳). همچنین پژوهش‌های قبلی نشان داده است که این صفات با تاکتیک‌های خاص نگهداری از همسر، از جمله القای حسادت، دستکاری احساسی و سیگنال‌های مالکیت کلامی همراه هستند (جانسون، کئنینگ و تست،[9] ۲۰۱۰). در مورد ارتباط بین صفات تاریک شخصیت و زندگی زناشویی مشخص شده است که شخصیت تاریک با سطوح پایینی از صمیمیت و تعهد در رابطه (علی و کامرو- ریموزیک،[10] ۲۰۱۰) و شرکای جنسی متعدد (ویسر، پزبان، بوگارت و اشتون،[11] ۲۰۱۰) در ارتباط بوده است. پژوهش یو و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که ماکیاولیسم و سایکوپاتی تأثیرات غیرمستقیمی بر بی‌ثباتی زناشویی داشته‌اند. حق نسب و پورفرخی (۱۳۹۹) در پژوهش خود نشان دادند دو بعد ماکیاولیسم و ضداجتماعی از ابعاد مثلث تاریک شخصیت دلزدگی زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. توجه به افزایش مشکلات زناشویی، آمار طلاق و عواقب آن بر زندگی هریک از زوجین، کودکان و هزینه‌هایی که برای جامعه به دنبال دارد، در دهه‌های گذشته موجب شده که این سؤال ذهن محققان را به خود مشغول کند که چه عواملی بر موفقیت و شکست در ازدواج تأثیر می‌گذارد؟ و چگونه می‌توان از پریشانی‌های زناشویی و به‌تبع آن از طلاق جلوگیری کرد؛ در همین راستا با توجه به پژوهش‌های صورت گرفته اختلالات شخصیتی زوجین می‌تواند نقش حائز اهمیت و در عین حال جبران‌ناپذیری بر روابط زناشویی داشته باشد. در حیطه دیگر حتی مشکلات هیجانی از جمله عدم‌درک هیجانات خود و همسر در موقعیت‌های نامساعد زندگی زناشویی منجر به عدم‌تفاهم آن‌ها شود؛ در نتیجه در جهت کاهش آمار طلاق باید عوامل زمینه‌ساز پریشانی زناشویی شناسایی و کنترل شود، لذا هدف پژوهش حاضر پیشی‌بینی پریشانی در روابط زناشویی براساس فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی بود.

روش

این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها (طرح تحقیق) از تحقیقات توصیفی-همبستگی محسوب می شود. در پژوهش حاضر به دلیل عدم دسترسی کامل به افراد متأهل شهر رشت، ۲۴۰ نفر به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای (خوشه اول مناطق پنج‌گانه رشت، خوشه دوم انتخاب دو منطقه، خوشه سوم انتخاب محلات،...) انتخاب شدند که بعد از بررسی پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده تعداد ۴۰ پرسشنامه به دلیل تکمیل ناقص کنار گذاشته شد و در نهایت داده‌های ۲۰۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، داشتن حداقل شش ماه سابقه زندگی مشترک و سطح

1. the dark triad of personality
2. Käiser, Lebreton & Hogan
3. Machiavellianism
4. Narcissism
5. Psychopathy
6. Womick, Foltz & King
7. Kajonius, Persson, Rosenberg & Garcia
8. Lau & Marsee
9. Koenig & Tost
10. Ali & Chamorro-Premuzic
11. Visser, Pozzebon, Bogaert & Ashton

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

تحصـیلات حداقل سـیکل بود. در مرحله بعد، اهداف پژوهش به آزمودنی‌ها توضـیح داده و موافقت آنها برای شـرکت در پژوهش جلب گردید، همچنین رعایت رازداری کامل برای شـرکت کنندگان و آزادی کامل برای کناره‌گیری آنها از جمله ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر بود. داده‌های بدست آمده با استفاده از تحلیل پیرسون و رگرسیون چندگانه با نرم افزار spss۲۳ تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار سنجش

اندازه‌گیری خودگزارش‌دهی زنا شویی تاکسون(MTSRM) : این مقیاس تو سط ویـ سمن، ا شنایدر و بیچ[2](۲۰۰۹) ساخته شده و شامل ۱۰ آیتم اقتباس‌شده از پرسشنامه پریشانی زناشویی (MSI_R) (اشنایدر، ۱۹۹۷) است. این پرسشنامه، اختلافات زناشویی را می سنجد. نمرات از ۰ تا ۱۰ در صورت پا سخ صحیح به شماره‌های ۱،۲،۵، ۶و ۷ و پا سخ غلط به شماره‌های ۳،۴، ۸، ۹ و ۱۰ یک به دست می‌آید. نمره برش ≤۴ است. شماره‌های اصلی MSI_R برای این ۱۰ مورد شامل شماره‌های ۵۸، ۱۲۴، ۴۳، ۳۹، ۸۱، ۹۵، ۵۴، ۸۰، ۷۶، ۱۲۷ ا ست. طراحان این آزمون به منظور برر سی ثبات زمانی ت شخیص از روش پایایی بازآزمایی با نمونه ۱۰۶ نفری از زوجین که با فاصـله زمانی ۶ هفته به مقیاس ۲بار پاسـخ دادند، اسـتفاده کرده‌اند که ضـریب پایایی برای گروه مردان ۰/۷۸ و برای گروه زنان ۰/۸۰ گزارش شده است. همچنین طراحان آزمون به منظور بررسی روایی هم‌زمان مقیاس مذکور از پرسشنامه تجدید نظر شده رضایت زناشویی (MSI-R) ا ستفاده کردند که مقدار این روایی برای گروه زنان و مردان به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۷۲ گزارش شده ا ست (ویـ سمن و همکاران، ۲۰۰۹). در ایران برای اولین‌بار ن سخه تجدید نظر شده آن تو سط بهرادفر و همکاران (۱۳۹۵) در زنان و مردان متأهل انجام پذیرفت؛ به منظور بررسـی روایی همگرا پرسـشـنامه، همبسـتگی نمرات این مقیاس با مقیاس کیفیت زناشـویی بررسـی کردند و مقدار روایی همگرا ۰/۶۲۹ و پایایی آن ۰/۹۴ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی آن نیز با استفاده از تحلیل آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۱ به‌دست آمد.

مقیاس فراهیجان‌ها[3](MES): این مقیاس تو سط میتمن سگرابر و همکاران (۲۰۰۹) ساخته شده ا ست. دارای ۲۸ گویه و شش خرده مقیاس می‌باشـد. این پرسـشـنامه در کل دو بعد فراهیجان مثبت (فراشـفقت و فراعلاقه) و منفی (فراخشـم، فراشـرم/ فراتحقیر، فراکنترل فکر و فرابازداری) را می سنجد. این مقیاس براساس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً نادر ست (۱) تا کاملاً در ست (۵) نمره گذاری می‌شـود. طراحان ضـریب پایایی برای فراهیجان مثبت را ۰/۹۱ و برای فراهیجان منفی را ۰/۸۵ به‌دسـت آوردند همچنین آن‌ها جهت برر سی روایی مقیاس از روش تحلیل عاملی اکت شافی و تأییدی ا ستفاده نموده‌اند. نتایج پژوهش آنان ن شان داد که این آزمون از دو عامل ت شکیل شده ا ست و بار عاملی هر سؤال بر روی عامل مربوطه بالاتر از ۰/۴۰ گزارش شده ا ست (میتمن سگرابر و همکاران، ۲۰۰۹). این پرسشنامه توسط رضایی، پارسایی، نجاتی، نیک آمال و هاشمی رزینی (۱۳۹۳) برای استفاده در فرهنگ ایرانی، ترجمه، روا و پایا گردیده اسـت. نتایج پژوهش آن‌ها نشـان داد ضـریب آلفای کرونباخ در خرده مقیاس فراهیجان مثبت ۰/۸۷ و در خرده مقیاس فراهیجان منفی ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۹ می‌باشد؛ همچنین برای سنجش روایی پر سشنامه از تحلیل عاملی با نرم افزار لیزرل ا ستفاده کردند که با توجه به شاخص نیکویی برازش، مقیاس دارای روایی مطلوب بود. در پژوهش حاضر پایایی آن نیز با استفاده از تحلیل آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۵ به‌د ست آمد. در پژوهش حا ضر سؤالات مربوط به فراهیجان مثبت به‌کار برده شد و پایایی برای فراهیجان مثبت با ا ستفاده از تحلیل آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ به‌دست آمد.

فرم کوتاه مقیاس سه صفت تاریک شخصیت (SDTPM[4]): این مقیاس توسط جانسون و وبستر (۲۰۱۰) ساخته شده و شامل ۱۲ گویه است که سه صفت تاریک ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی را می سنجد. آزمودنی‌ها به گویه‌های این آزمون در مقیاس لیکرت ۹ نقطه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۹ (کاملاً موافقم) پا سخ می‌دهند که نمرهٔ بالا ن شان‌دهندهٔ بی شتر بودن آن صفت در فرد ا ست. سوالات ۱ تا ۴ این مقیاس، شخصیت ماکیاول‌گرا، سؤالات ۵ تا ۸، شخصیت خودشیفته و سؤالات ۹ تا ۱۲، شخصیت سایکوپاتی را اندازه می‌گیرد هر یک از خرده آزمون‌های این ابزار همب ستگی خوبی با پر س شنامه‌های خود شیفتگی (را سکین و تری[5]، ۱۹۸۸)، ماکیاول‌گرایی (کریسـتی و گیس[6]، ۱۹۷۰) و مقیاس سـایکوپاتی (پاولهاوس، همفیل و هاری[7]، ۲۰۱۰) دارد و ضـریب پایایی بازآزمایی آن ۰/۸۹ برای کل

1. Marital Taxon Self-Report Measure
2. Whisman, Snyder & Beach
3. Meta-Emotions Scale
4. Short Dark Triad Oersonality Measure
5. Raskin & Terry
6. Christie & Geis
7. Paulhus, Hemphill & Hare

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

مقیاس، ۰/۸۶ برای ماکیاول‌گرایی،۰/۷۶برای سایکوپاتی و ۰/۸۷ برای خودشیفتگی گزارش شده است (جانسون و وبستر،۲۰۱۰). همچنین جانسون و ویستر روایی پرسشنامه را با استفاده از تحلیل عاملی با نرم افزار آموس و به دلیل برازش خوب مدل و ضرایب مسیر بالای ۰/۵ مطلوب بیان کرده‌اند. بشرپور و شفیعی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی به بررسی روایی پرسشنامه صفات تاریک شخصیت پرداختند که نتایج گویای روایی مطلوب پرسشنامه صفات تاریک شخصیت بود؛ همچنین ضرایب آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های ماکیاول‌گرایی، سایکوپاتی و خودشیفتگی را به ترتیب ۰/۷۵، ۰/۶۸ و ۰/۶۹ گزارش کردند. در این پژوهش تنها سؤالات مربوط به ماکیاول‌گرایی استفاده شد و پایایی ماکیاول‌گرایی با استفاده از تحلیل آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۱ به‌دست آمد.

یافته ها

نمونه آماری مورد مطالعه شامل ۲۰۰ نفر از افراد متأهل شهر رشت (۱۰۰ زن، ۱۰۰ مرد) با میانگین سنی ۱۰/۹۱ ±۴۰/۶۲ سال بودند. که در دامنه سنی ۲۰ تا ۶۰ سال قرار داشتند. بیشتر شرکت کنندگان با ۴۳ درصد (۸۶ نفر) دارای زندگی مشترک ۵ تا ۱۰ سال، ۴۹ درصد (۹۸ نفر) دارای تحصیلات کارشناسی و ۵۸ درصد (۱۱۶ نفر) دارای وضعیت اقتصادی متوسط بودند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی
پریشانی رابطه زناشویی	۴/۵۹۰	۱/۸۲۵	۳/۳۲۹	۰/۱۵۶	-۰/۴۰۴
فراهیجان مثبت	۲/۴۱۸	۰/۶۴۸	۰/۴۲۰	۰/۱۳۸	-۰/۴۹۱
ماکیاول‌گرایی	۷/۵۱۰	۱/۸۱۳	۳/۲۸۶	۰/۱۶۱	-۰/۶۹۵

مطابق جدول۱، میانگین امتیاز متغیر پریشانی رابطه زناشویی از نظر پاسخ‌دهندگان ۴/۵۹۰، انحراف معیار ۱/۸۲۵ و واریانس برابر ۳/۳۲۹ می‌باشد. میانگین امتیاز متغیر فراهیجان مثبت از نظر پاسخ‌دهندگان ۲/۴۱۸، انحراف معیار ۰/۶۴۸ و واریانس برابر ۰/۴۲۰ به‌دست آمد. همچنین میانگین امتیاز متغیر ماکیاول‌گرایی ۷/۵۱۰، انحراف معیار ۱/۸۱۳و واریانس برابر با ۳/۲۸۶ بود. از سوی دیگر مقدار چولگی مشاهده شده برای هر سه متغیر پریشانی رابطه زناشویی و فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی در بازه (۲، ۲-) قرار دارد؛ یعنی از لحاظ کجی هر سه متغیر نرمال بوده و توزیع آن‌ها متقارن است. همچنین مقدار کشیدگی برای متغیرهای پریشانی رابطه زناشویی، فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی نیز در بازه (۲، ۲-) قرار دارد؛ این نشان می‌دهد توزیع هر سه متغیر پژوهش از کشیدگی نرمال برخوردار است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	پریشانی زناشویی رابطه	فراهیجان مثبت	ماکیاول‌گرایی
پریشانی رابطه زناشویی	۱		
فراهیجان مثبت	-۰/۵۹۱**	۱	
ماکیاول‌گرایی	۰/۷۱۳**	-۰/۴۲۸**	۱

با توجه به جدول ماتریس همبستگی، بین پریشانی رابطه زناشویی با فراهیجان مثبت (r=-۰/۵۹۱ ، P<۰/۰۱)، در سطح معنی‌دار ۹۹ درصد، رابطه منفی و معنادار و با ماکیاول‌گرایی (r=۰/۷۱۳ ، P<۰/۰۱)، در سطح معنادار ۹۹ درصد، رابطه مثبت و معنادار برقرار است. در ادامه با توجه به نرمال بودن داده‌های پژوهش از آزمون پارامتریک تحلیل رگرسیون برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده و مفروضات تحلیل رگرسیون در جدول ۳ ارائه شده است.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون در پیش‌بینی پیوند پریشانی رابطه زناشویی، براساس متغیرهای فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش‌بین	B	Std	Beta	T	sig	VIF	R	R^2	F	sig	دوربین واتسن
پریشانی زناشویی	مقدار ثابت	۳/۵۲۷	۰/۵۴۵	-	۶/۴۷۳	۰/۰۰۱	-	۰/۷۸۰	۰/۶۰۸	۱۵۳/۰۴۲	۰/۰۰۱	۱/۶۷
	فراهیجان مثبت	-۰/۹۸۴	۰/۱۳۹	-۰/۳۵۰	-۷/۰۸۸	۰/۰۰۱	۱/۲۲۵					
	ماکیاول-گرایی	۰/۴۴۹	۰/۰۳۹	۰/۵۶۳	۱۱/۴۱۶	۰/۰۰۱	۱/۲۲۵					

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، میزان همبستگی مجموع فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی، با پریشانی رابطه زناشویی برابر است با ۰/۷۸۰ که مقداری مثبت می‌باشد و مجذور ضریب همبستگی چندگانه (ضریب تعیین) برابر است با ۰/۶۰۸، در واقع مجموع فراهیجان‌های مثبت و ماکیاول‌گرایی ۶۰/۸ درصد واریانس پریشانی رابطه زناشویی را تبیین می‌کنند. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۱/۶۷ به‌دست آمد که بر اساس آن فرض همبستگی باقی‌مانده‌ها رد می‌شود. زیرا قرار داشتن مقدار دوربین واتسون در دامنه ۲/۵- ۱/۵ حاکی از رد شدن همبستگی باقی مانده‌ها می‌باشد. علاوه براین مقدار عامل تورم واریانس (VIF) متغیرهای پیشبین برابر با ۱/۲۲۵ است که بر اساس آن پیش فرض عدم هم‌خطی چندگانه نیز تأیید می‌گردد. همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود اعتبار تحلیل واریانس رگرسیون چندگانه مورد تأیید است. با توجه به سطح معناداری که برابر است با ۰/۰۰۱ و کوچک‌تر از پنج صدم است بنابراین فرض صفر (عدم برقراری رابطه‌ی رگرسیونی) رد می‌شود. بنابراین بین مجموع فراهیجان‌های مثبت و ماکیاول‌گرایی با پریشانی رابطه زناشویی رابطه‌ی رگرسیونی وجود دارد.

فراهیجان مثبت با بتای ۰/۳۵۰- ($P<۰/۰۱$ ، $T=-۷/۰۸۸$) به‌طور منفی و معنادار و ماکیاول‌گرایی با بتای ۰/۵۶۳ ($P<۰/۰۱$ ، $T=۱۱/۴۱۶$) به‌طور مثبت و معنادار می‌توانند پریشانی رابطه زناشویی را پیش‌بینی نمایند. با توجه به بتاهای به‌دست آمده ماکیاول‌گرایی سهم بیشتری را در پیش‌بینی پریشانی رابطه زناشویی را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی پریشانی رابطه زناشویی براساس فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی انجام گرفت. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌داد که فراهیجان مثبت با پریشانی رابطه زناشویی رابطه منفی دارد، در واقع، هرچه ویژگی فراهیجان مثبت در روجین بیشتر باشد، پریشانی رابطه زناشویی کمتری در آن‌ها وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های پژوهش دپتی و کومار (۲۰۱۸)، مانوز و همکاران (۲۰۱۷) و وحدانی و همکاران (۱۳۹۹) همسو است. فراهیجان مثبت نشان دهنده توانایی افراد در پذیرش و ابراز مناسب هیجان‌ها است و طبق نظر پاندی و جیسوال (۲۰۱۷) فراهیجان مثبت با پذیرش هیجان توسط خود فرد، تأثیر مثبت بر سلامت روان‌شناختی او می‌گذارد. از آنجایی که فراهیجان بخش مهمی از تنظیم هیجان محسوب می‌شود، آن دسته از افرادی که از میزان فراهیجان کمتر برخوردار باشند در نتیجه آگاهی پایین‌تری نسبت به احساس‌ها و هیجان‌های خود خواهند داشت و گرایش بیشتری برای نادیده گرفتن هیجان‌های خود از قبیل هیجان‌های مثبت و منفی دارند، در مقابل کسانی که از فراهیجان بالاتری برخوردار هستند به‌تبع آن آگاهی بالاتری از احساس‌های خود داشته در نتیجه هیجانات خود را به نحو مطلوب‌تری سازماندهی و تفسیر می‌کند. با توجه به اینکه فراهیجان‌های مثبت منجر به تفسیر و ارزیابی درست هیجان‌ها می‌گردند، در نتیجه افراد با فراهیجان مثبت بالا می‌دانند چگونه با دیگران ارتباط درست و سازنده برقرار کنند و چگونه در زمان استرس و پریشانی خود را آرام کنند (میسیلی و کاستلفرانچی، ۲۰۱۹). افراد برخوردار از فراهیجان رشدیافته قادرند بهتر ارتباط برقرار کنند این افراد همراهان خوبی هستند و علت آن مهارت‌های اجتماعی پیشرفته آن‌ها است. سلطانی و همکاران (۲۰۱۳) در مطالعه خود مطرح کردند که مداخله مبتنی بر هیجان منجر به بهبود صمیمت هیجانی، روانی، جنسی، فیزیکی، فکری و ارتباطی می‌شود. افراد در حالات هیجانی شادی و غمگینی اطلاعات دریافتی را به صورت متفاوتی پردازش، رمزگردانی و بازیابی می‌کنند، به نحوی که هیجان شادی میزان توجه را در فرد افزایش می‌دهد در حالی که ترس و اضطراب موجب کاهش توجه خواهد شد. تنظیم هیجان

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

سازش‌یافته، با اعتماد به خود و تعاملات اجتماعی، افزایش در فراوانی هیجان‌های مثبت، مقابله مؤثر در مواجهه با موقعیت‌های تنیدگی‌زا و حتی گسترش فعالیت‌های ممکن در پاسخ به موقعیت‌های اجتماعی مرتبط است. در جهت تبیین این یافته می‌توان گفت افراد در محیط خانواده عواطف مثبت و منفی زیادی را تجربه می‌کنند، که همگی با عواطف معطوف به خود همراه هستند. این عواطف می‌تواند تجربیات فراهیجان زوجین را متأثر کند. این تجربیات فراهیجانی که شامل فراهیجان مثبت مثل پشتکار، دلگرمی و شادی و یا فراهیجان منفی مانند رها کردن، ناکامی و ناامیدی هستند، برای مثال اختلاف زناشویی منجر به تجربه هیجانی منفی مثل اندوه می‌شود در این شرایط افرادی که از فراهیجان مناسبی برخوردار باشند رفتار متفاوتی از افرادی که از فراهیجان نامناسبی برخوردار هستند خواهند داشت. اگر همسران در شرایط نامساعد، همدلی داشته باشند و بتوانند عواطف خود و شریک زندگی را مدیریت کنند الگوی درستی از درگیری هیجانی را به کار خواهند بست، فراشادی و فرالذت منجر به احساس غرور و رضایت از خود می‌شود که در نتیجه روابط زناشویی روند صعودی را در جهت افزایش کیفیت خود طی می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان‌داد که ماکیاول‌گرایی با پریشانی رابطه زناشویی رابطه مثبت دارد. نتایج به‌دست آمده با یافته‌های پژوهش یو و همکاران (۲۰۲۰)، هی و همکاران (۲۰۱۸)، علی و کامرو-پریموزیک (۲۰۱۰)، جانسون و همکاران (۲۰۱۰) و حق نسب و پورفرخی (۱۳۹۹) همسو است. تعدادی از مطالعات نشان دادند که ماکیاول‌گرایی یک راهبرد اجتماعی است که در آن مردم مستعد خیانت کردن به دیگران هستند. افراد با ماکیاول‌گرایی بالا، در مقایسه با همسالان غیر ماکیاول‌گرا، برای برقراری روابط جنسی به میزان بیشتری تظاهر به عشق می‌کنند. این افراد در روابط دیگر نیز به احتمال زیاد شریک جنسی خود را فریب می‌دهند (مک هسکی،[1] ۲۰۰۱). افراد ماکیاولی به عنوان افراد انعطاف‌پذیر یاد شده‌اند و بیشترین راهبردهایی که این افراد برای جلوگیری از دست دادن همسر استفاده می‌کنند تهدید کردن و پرخاشگری نسبت به رقبا و فریب‌کاری احساسی همسر است. مردان به‌طور معنی‌داری بیشتر از فریب‌کاری احساسی جفت، فریب‌کاری برای بالا بردن تعهد در جفت و نشان دادن دارایی‌های مادی استفاده می‌کنند. در مقابل راهبردهایی که زنان اغلب از آن استفاده می‌کنند، بهبود وضع ظاهری و اظهار مالکیت نسبت به جفت در حضور دیگران است (جوناسون و کاواناق،[2] ۲۰۱۰). این افراد ابتدا به نوع رابطه و آینده آن و منافع احتمالی رابطه نگاه می‌کنند و سپس نوع برخورد و راهبردهای مختلف را انتخاب می‌کنند. این دسته از افراد حتی در موقعیت‌های هیجانی کاملاً خونسرد و بی‌احساس هستند و تحت تأثیر برانگیختگی‌های دیگران قرار ندارند. پژوهش‌های قبلی نشان داده است که این صفات با تاکتیک‌های خاص نگهداری از همسر، از جمله القای حسادت، دستکاری احساسی و سیگنال‌های مالکیت کلامی همراه هستند (جانسون و همکاران، ۲۰۱۰). نتایج مطالعات جدید نیز نشان می‌دهد که افراد ماکیاول‌گرا در روابط خانوادگی و محیط‌های کاری سعی می‌کنند فراتر و جلوتر از دیگران باشند به جای اینکه همراه با آن‌ها باشند. از آنجا که رضایت زناشویی بیشتر مبتنی بر برابری و اصل سرمایه‌گذاری مشترک زوجین در روابط است، تمایل به سوء استفاده یکی از زوجین می‌تواند با پریشانی زناشویی همراه شود.

به‌طور کلی نتایج به‌دست آمده گویای این بودند که فراهیجان مثبت و ماکیاول‌گرایی به‌عنوان صفت تاریک قادر به پیش‌بینی پریشانی رابطه زناشویی هستند. نتایج نشان از اهمیت صفات تاریک شخصیت و فراهیجان در پیش‌بینی پریشانی زناشویی دارد. نمونه پژوهش حاضر محدود به یک جامعه خاص متأهلین بود و لازم است در نمونه‌های دیگر مانند زوجین متقاضی طلاق نیز اجرا شود. عدم‌کنترل متغیرهای مزاحمی نظیر داشتن فرزند، مشکلات روان‌شناختی و ... همچنین عدم بررسی نقش جنسیت در پریشانی رخ داده در روابط زناشویی محدویت پژوهش حاضر بودند. برای تحقیقات آینده برای شخصیت تاریک توصیه می‌شود که پرسشنامه مربوطه توسط شریک زندگی افراد پر شود، زیرا این یک استراتژی برای گریز از تعصبات ناشی از گزارش‌دهی است. در پژوهش فعلی معلوم شد فراهیجان مثبت با پریشانی رابطه زناشویی همبستگی دارد، لذا برای تبیین سایر متغییرها توصیه می‌شود متغییرهای میانجی احتمالی بررسی شود. طراحی و اجرای پژوهش‌هایی با سایر متغیرهای پیش‌بین علاوه برصفات تاریک شخصیت، همچون صفات بنیادین و سازه‌های کلی شخصیت و واردکردن متغیرهای هویتی و دموگرافیک به عنوان متغیرهای تعدیل‌کننده در پژوهش‌هایی با اهداف هماهنگ با تحقیق حاضر در جهت تعدیل عوامل مؤثر در روابط زناشویی، می‌توان از جمله پیشنهادات پژوهشی برای محققان این حوزه در پژوهش‌های آتی باشد. با توجه به اهمیت زندگی زناشویی و نقش تعیین‌کننده ویژگی‌های شخصیتی مانند صفات تاریک شخصیت در پیش‌بینی پریشانی زناشویی با برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی قبل و بعد از ازدواج جهت کنترل صفات شخصیتی منفی و آگاهی و پرورش عناصر شناختی تا حد امکان از شدت این اثرها کاهش یابد. همچنین با توجه به اینکه افراد دارای فراهیجان مثبت، در روابط استرس‌زا و پریشان زناشویی، از راهبردهای مقابله‌ای

1. McHoskey
2. Kavanagh

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

مسأله‌مدار بیشتر استفاده می‌کنند و در پی آن کنترل بهتری بر شرایط دارند؛ در نتیجه پیشنهاد می‌شود روانشناسان با آموزش دادند تکنیک‌های تنظیم هیجان و گسترش هیجانات مثبت به افراد در حل بحران بین زوجبن کمک‌های لازم را انجام دهند.

سپاس‌گزاری: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی است که در آن هیچ تعارض منافعی وجود ندارد. پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند که از شرکت‌کنندگان برای مشارکت در پژوهش تشکر و قدردانی کنند.

منابع

بشرپور، س.، و شفیعی، م. (۱۳۹۴). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه‌ی فارسی فرم کوتاه مقیاس سه صفت تاریک شخصیت در دانشجویان. *فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۹، ۱، ۱-۱۱.

بهرادفر، ر.، جزایری، ر س.، بهرامی، ف.، عابدی، م ر.، اعتنادی، ع.، و فاطمی، س م. (۱۳۹۵). ارزیابی و تشخیص بالینی در زوج‌درمانی، تجدید نظر و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس غربال‌گری آشفتگی زناشویی و ارتباطی (SSMRD). *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۲، ۴۷، ۴۱۳-۴۳۵.

پارسامنش، ف.، کراسکیان، آ.، حکمی، م.، و احدی، ح. (۱۳۹۶). اثربخشی مدل تنظیم هیجان گروس بر تحمل آشفتگی هیجانی و پرخوری هیجانی. *فصلنامه روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، ۸، ۲۹، ۲۳-۵۲.

حق نسب، ش.، و پورفرخ، م. (۱۳۹۹). رابطه ابعاد مثلث تاریک شخصیت و سبک‌های دلبستگی با دلزدگی زناشویی. *رویش روان‌شناسی*، ۹ ۱۲، ۲۱۵-۲۲۴.

رضایی، ن.، پارسایی، ا.، نجاتی، ع.، نیک‌آمال، م.، هاشمی رزینی، س. (۱۳۹۳). ویژگی‌های روانسنجی مقیاس فراهیجان دانشجویان. *فصلنامه تحقیقات روانشناختی*، ۶، ۲۳، ۱۱۱-۱۲۴.

کارگر، م.، کیمیایی، ع.، و مشهدی، ع. (۱۳۹۳). اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر خودنظم بخشی بر آزار عاطفی و آشفتگی زناشویی، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴، ۲، ۲۶۹-۲۹۶ .

کنارکوهی، ه.، صادقی، ع.، و شیخی قلعه سردی، ر. (۱۳۹۸). بررسی اثربخشی آموزش زوجدرمانی هیجان مدار بر افزایش شادکامی و بهبود الگوهای ارتباطی زوجین شهر ایده. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۲، ویژه (روانشناسی)، ۵۲۸-۵۱۸.

مقدم‌زاده، ع.، علوی، ط. ا.؛ مظاهری، م. ه.، حجازی، ا.، صالحی، ک.، و افروز، غ. ع. (۱۳۹۷). بازنمایی عوامل فردی مؤثر در احتمال آسیب طلاق: یک بررسی پدیدارشناسی، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۸، ۲، ۱۱۵-۱۴۶.

وحدانی، م.، خضری، م.، محمودپور، ع.، و فرحبخش، ک. (۱۳۹۹). پیش‌بینی دل‌زدگی زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی، تحمل پریشانی و الگوهای ارتباطی. *رویش روان شناسی*. ۹، ۱۰، ۴۷-۵۸.

Ali, F., & Chamorro-Premuzic, T. (2010). The dark side of love and life satisfaction: Associations with intimate relationships, psychopathy and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, *48*(2), 228-233.

Amstadter, A. (2008). Emotion regulation and anxiety disorders. *Journal of anxiety disorders*, *22*(2), 211-221

Bailen, N. H., Wu, H., & Thompson, R. J. (2019). Meta-emotions in daily life: Associations with emotional awareness and depression. *Emotion*, *19*(5), 776.

Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of marriage and family*, *62*(4), 964-980.

Dipti, P., & Kumar, J. A. (2018). Role of positive metacognitions and meta-emotions in predicting alexithymia. *International Journal of Scientific Research and Reviews*, *7*(3), 487-98.

He, Q., Wang, Y., Xing, Y., & Yu, Y. (2018). Dark personality, interpersonal rejection, and marital stability of Chinese couples: An actor–partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, *134*, 232-238.

Jeong, H., Yim, H. W., Lee, S. Y., Lee, H. K., Potenza, M. N., Jo, S. J., & Son, H. J. (2020). A partial mediation effect of father-child attachment and self-esteem between parental marital conflict and subsequent features of internet gaming disorder in children: a 12-month follow-up study. *BMC public health*, *20*, 1-10.

Jonason, P. K., & Kavanagh, P. (2010). The dark side of love: Love styles and the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, *49*(6), 606-610.

Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2010). The dirty dozen: a concise measure of the dark triad. *Psychological assessment*, *22*(2), 420.

Jonason, P. K., Koenig, B. L., & Tost, J. (2010). Living a fast life. *Human Nature*, *21*(4), 428-442.

Kaiser, R. B., LeBreton, J. M., & Hogan, J. (2015). The dark side of personality and extreme leader behavior. *Applied Psychology*, *64*(1), 55-92.

Kajonius, P. J., Persson, B. N., Rosenberg, P., & Garcia, D. (2016). The (mis) measurement of the Dark Triad Dirty Dozen: exploitation at the core of the scale. *PeerJ*, *4*, e1748.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]

Klein, S. R., Renshaw, K. D., & Curby, T. W. (2016). Emotion regulation and perceptions of hostile and constructive criticism in romantic relationships. *Behavior Therapy*, *47*(2), 143-154.

Lau, K. S., & Marsee, M. A. (2013). Exploring narcissism, psychopathy, and Machiavellianism in youth: Examination of associations with antisocial behavior and aggression. *Journal of Child and Family studies*, *22*(3), 355-367.

Mbwirire, J. (2017). Causes of marital conflicts in Christian marriages in Domboshawa area, Mashonaland East Province, Zimbabwe.

McHoskey, J. W. (2001). Machiavellianism and personality dysfunction. *Personality and Individual Differences*, *31*(5), 791-798.

Miceli, M., & Castelfranchi, C. (2019). Meta-emotions and the complexity of human emotional experience. *New Ideas in Psychology*, *55*, 42-49.

Mitmansgruber, H., Beck, T. N., Höfer, S., & Schüßler, G. (2009). When you don't like what you feel: Experiential avoidance, mindfulness and meta-emotion in emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, *46*(4), 448-453.

Munoz, R. T., Hellman, C. M., Buster, B., Robbins, A., Carroll, C., Kabbani, M., ... & Fox, M. D. (2016). Life satisfaction, hope, and positive emotions as antecedents of health related quality of life among homeless individuals. *International Journal of Applied Positive Psychology*, *1*(1), 69-89.

Olson, D. H., Waldvogel, L., & Schlieff, M. (2019). Circumplex model of marital and family systems: An update. *Journal of Family Theory & Review*, *11*(2), 199-211.

Park, T. Y., & Park, Y. (2019). Contributors influencing marital conflicts between a Korean husband and a Japanese wife. *Contemporary Family Therapy*, *41*(2), 157-167.

Ruhlmann, L. M., Gallus, K. L., & Durtschi, J. A. (2018). Exploring relationship satisfaction and attachment behaviors in single-and dual-trauma couples: A pilot study. *Traumatology*, *24*(1), 27.

Schudlich, T. D. D. R., Jessica, N. W., Erwin, S. E., & Rishor, A. (2019). Infants' emotional security: The confluence of parental depression, Interparental conflict, and parenting. *Journal of Applied Developmental Psychology*, *63*, 42-53.

Soltani, A., Molazadeh, J., Mahmoodi, M., & Hosseini, S. (2013). A study on the effectiveness of emotional focused couple therapy on intimacy of couples. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *82*, 461-465.

Troxel, W. M., Matthews, K. A., Gallo, L. C., & Kuller, L. H. (2005). Marital quality and occurrence of the metabolic syndrome in women. *Archives of internal medicine*, *165*(9), 1022-1027.

Visser, B. A., Pozzebon, J. A., Bogaert, A. F., & Ashton, M. C. (2010). Psychopathy, sexual behavior, and esteem: It's different for girls. *Personality and Individual Differences*, *48*(7), 833-838.

Whisman, M. A., Snyder, D. K., & Beach, S. R. (2009). Screening for marital and relationship discord. *Journal of Family Psychology*, *23*(2), 247.

Womick, J., Foltz, R. M., & King, L. A. (2019). "Releasing the beast within"? Authenticity, well-being, and the Dark Tetrad. *Personality and Individual Differences*, *137*, 115-125.

Yeon, E. M., & Choi, H. S. (2020). Trajectories of Mothers' Perceived Marital Conflict and its Relationship to Depression and Children'School Readiness, Self-esteem, and Happiness. *Journal of the Korea Academia-Industrial cooperation Society*, *21*(5), 344-352.

Yu, Y., Wu, D., Wang, J. M., & Wang, Y. C. (2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*, *154*, 109689.

Zhou, N., & Buehler, C. (2019). Marital hostility and early adolescents' adjustment: The role of cooperative marital conflict. *The Journal of Early Adolescence*, *39*(1), 5-27.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1400.10.9.15.1]